



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۳/۰۳



حمید انوری

## سخنی با هموطنی!



هموطن گرامی جناب طیبی سلام!

قبل از همه از حسن نظر تان نسبت به سیه مشق های این کمترین و نیز از توجه و انتقاد تان، یک دنیا سپاس. و اما بعد! در مورد انتقاد تان باید بنگارم که نمی توانم با شما همنظر باشم و نظرات تانرا تأیید کنم. شما حق دارید مخالف نظر من باشید و من نیز حق دارم مخالف نظر شما باشم. شاید در بسا مسائل دیگر میهنی باهم همنوا و هم نظر باشیم.

شما می نویسید که: «نشست» در متون قدیم فارسی (دری) هم به مفهوم جلسه، تجمع و احتفال، هم به معنی، جای سکونت، هم به معانی متعدد دیگر، مثلاً سقوط و فروپاشی، قدامت هزار ساله دارد، بصورت خیلی شتابزده به مثال های زیر توجه شود: "... و بعد اشعار زیبایی از فردوسی و عطار و سعدی را می آورید که گویا هزار سال قدامت دارند و "نشست" در آنها به کار رفته و یا استفاده شده است و بعد علاوه می کنید: "... بصورت خیلی شتابزده به مثال های زیر توجه شود:"

نخست اینکه با تمام تلاشی که شما به خرج داده اید و از لابلای اوراق مجموعه های شعری، چند شعری انتخاب نموده و به گونه مثال آورده اید، چگونه امکان دارد آنهمه زحمات و تلاش های شما هموطن گرامی را خیلی شتابزده مرور کرد؟

از جانب دیگر زمانیکه با درج اشعار مختلف مورد نظر، شما هموطن گل تلاش به خرج داده اید تا این کمترین را قانع سازید که استفاده از اصطلاح یا کلمه "نشست" نظر به اشعار متذکره در هزار سال قبل رائج بوده است، نمی شود آنانرا با دقت مطالعه نکرد.

من همه را با دقت مطالعه کردم و همین اکنون که این سطور را خدمت تان می نویسم، تمام نوشته تان در مقابلم قرار دارند.

می نویسید:

[۱- نشست: به معنی، مجمع، مجلس و محفل

نشستی بیاراست شاهنشهی

نهاده به سر بر، کلاهی مهی]

در این شعر بصورت واضح و آشکار منظور شاعر از به کار برد "نشست"، یک محفل بوده است و نه کدام جلسه سیاسی سرنوشت ساز. "نشستی بیاراست"، با تشکیل نمودن یک مجلس یا جلسه یا کنفرانس سیاسی و یا اقتصادی یا نظامی و یا فرهنگی، هیچ پیوندی نمی تواند داشته باشد. من مشخصاً مخالف همین نکته هستم که "نشست" توسط گزارشگران و ژورنالیستان و قلم به دستان هموطن ما، چپ و راست به شاخی باد می شود و این اصل را فراموش می کنند که "هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد".

به همینگونه در اشعار بعدی نیز منظور شاعران از "نشست" در اشعار متذکره شان، محافل بزم و سرور می تواند بوده باشد و یا لاقلاً این کم سواد چنین برداشتی از آنها دارم.

به هر حال جهت اینکه از طولانی شدن این سیه مشق جلوگیری شود، از آوردن همه اشعار و تبصره بر یکا یک و نه "تک تک" آنها خودداری می کنم و اما می بینیم که در اشعار مختلف متذکره، هیچ اشاره ای بر یک "جلسه" مهم سیاسی و یا اجلاس و مجلس سیاسی و سرنوشت ساز نبوده است.

مهمانی ماسکو هم "نشست" است؛ جلسه قطر هم "نشست" است، فرود آمدن طیاره در میدان هوایی هم "نشست" کرد" گفته می شود و....

درست است که "نشست" در مواقع مختلف، کاربرد های مختلف و متفاوت دارد و این کمترین هم بر همین نکته پافشاری دارم که نویسندگان، نطاقان، گزارشگران و ژورنالیستان ما از روی لطف این اصل مهم را جدی مراعات کنند، ورنه طیاره هم نشست می کند؛ یار هم نشست میکند، طالب هم نشست می کند، سقف خانه هم نشست می کند، زمین هم نشست می کند و....

از سوی دیگر من در یکی از نوشته های قبلی خود نیز تذکر داده بودم، خواه مورد قبول شما باشد؛ خواه مورد تردیدتان که من نه تنها با هیچ لسان و زبانی سر دشمنی ندارم، بلکه لسان شیرین "فارسی" ایران را دوست هم دارم، اما شدیداً مخالف آن هستم که ما دیده به دانسته، لغات، اصطلاحات و کلمات، و نه "واژه" های قبول شده و جا افتاده دری یا پشتو را که بصورت گسترده در سرتاسر افغانستان عزیز مروج بوده و عام فهم اند، شب در میان با لغات صادر شده از خارج تعویض کنیم، خواه این لغات و اصطلاحات از ایران وارد شده باشند، خواه از پاکستان و یا هر کشور دیگری و خواه هزار سال قدمت داشته باشد و خواه دو روز.

اگر توجه می کردید من به همین منظور انگشت انتقاد بالای اصطلاح "ولسمشر" گذاشته بودم که از پاکستان وارد شده و می خواهد جاگزین "جمهور رئیس" گردد.

و اما سخن آخر هم اینکه دلیل شما را قبول میکنم که کلمه یا لغت یا اصطلاح "نشست" هزار سال قبل در اشعار شعرای با عظمت ذکر گردیده و قدمت هزار ساله دارد و...

صرف نظر از اینکه آن شاعران گرانمایه خوب می دانستند که از "نشست" در کدام موقع و به کدام منظور استفاده کنند که وزن و قافیۀ شعر برهم نخورد، اما آیا این قضیه امروز در مسائل سیاسی نیز صادق است؟

اگر ما و شما واقعبینانه قضاوت کنیم، آیا کدام ضرورتی دیده می شود که ما مجلس، جلسه، جرگه و... را که با آنها هیچگاه، هیچ مشکلی نداشته ایم و همه کاملاً عام فهم و قبول شده نیز هستند، دفعتاً به دور بریزیم و یک اصطلاح و لغت یا کلمه هزار ساله را جاگزین آن سازیم؟

نه هزار سال عقب برویم و نه هم شتابزده دنبال لغات جدید برای جاگزین نمودن لغات، کلمات و اصطلاحات قبول شده و عام فهم خود برآئیم.

هموطن گرامی! با آنکه تلاش کردم از طولانی شدن این سیه مشق خودداری ورزم، موفق نشدم، ولی اگر ضرورت افتد و شما اجازه دهید، یک زمان دیگر این بحث را ادامه خواهیم داد، اما تا آن زمان به دو لینک در ختم این یادداشت توجه تانرا جلب می کنم که از قلم توانای انجنیر صاحب "معروفی" گرامی تراوش نموده و هر دو سخت مستدل و مقنع اند و بسیار هم زیبا و رسا به رشته تحریر درآمده اند.  
در گلستان سعدی آمده است:

**خوی بد در طبیعتی که نشست**

**ندهد جز به وقت مرگ از دست**

به یقین شما هموطن گرامی، بهتر از من میدانید که منظور سعدی شیرازی از به کار بردن "نشست"، فقط و فقط نشستن (ته نشین شدن، جا گرفتن) است و نه کدام محفل و جلسه و اجلاس و...، اما آیا به نظر شما درست است که ما دیده به دانسته در یک گزارش بلند بالای سیاسی بنویسیم که "طیاره نشست کرد"؟  
باز هم خانه پدر همین گزارشگر هم پر پلو باد که به جای طیاره نه نوشت "هواپیما" و به جای میدان هوایی، "فرودگاه"!

اینهم دو لینک مورد نظر:

۱- [نشست نشست نشست](#)

۲- ["جلسه" و "نشست"](#)

یار زنده و صحبت باقی

